

---

## رقص هند

---

۲

### نگارش روح الله خالقی

پروفسور گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی رئیس هنرستان موسیقی ملی

رتال جامع علوم انسانی

۱ - کلمه ناتیا (Natya) مشتق از ریشه نات (Nat)

اصطلاحات اساسی است که معنی رقص را میدهد. نیز باید گفت که ناتا

مربوط برقص (Nata) هنرپیشه مرد و ناتی (Nati) هنرپیشه زن

است و در عین حال، این دو کلمه برای رقص و رقصه

نیز بکار پیروند.

۲ - کلمه نری تیا (Nriya) در مورد مطلق رقص بکار رفته است.

۳ - اگر رقص توأم با عناصر نمایشی باشد نریتا (Nrita) نام-

گذاری شده است. بنا بر گفته دیگر «نری تیا» رقصی است که موضوعی را

بوسیله حرکات صریح و ادا (Geste) تشریح می‌کند و «نریتا» تنها رقص  
بهمراه موسیقی است و دارای موضوع معینی نمیباشد.

۴- کلمه ناتاکا (Nataka) یا آبھینایا (Abhinaya) بمعنی درام یا نمایشی  
است که رقص، طرح اصلی آنرا تشکیل میدهد. از اینجا بخوبی پی میبریم که  
درام و رقص دو هنر جدا نشدنی و کاملاً وابسته بهم بوده‌اند.  
نمایش «آبھینایا» بوسائل چهارگانه زیر بمورد اجرا گذارده  
می‌شود:

۱- حرکات اندامی یا رقص ۲- نطق و بیان که اساس آن کلمات است  
۳- ظهور هنرپیشه در صحنه نمایش که مخصوصاً لباس در معرفی شخصیت  
او دخالت بسزا دارد ۴- جلوه آثار هشتگانه جسمانی حیات: سکون-عرق  
کردن- ترس- تغییر صدا- لرزیدن- تغییر رنگ دادن- اشک ریختن و  
ضعف کردن.

از لحاظ موضوع مورد بحث، وسیله اول یعنی حرکات اندامی بیشتر  
مورد توجه است و این حرکات بسه دسته تقسیم میشود:  
دسته اول حرکات سر، دست، سینه، پهلو، کمر و پاها و برخی حرکات  
کردن را هم باین دسته اضافه نموده‌اند.  
دسته دوم حرکات کتف، بازو، شکم، ران و ساق پا و بعضی میچ و آرنج  
و زانورا هم افزوده‌اند.

دسته سوم حرکات چشم، ابرو، مردمک چشم، چانه، بینی، آرواره، لب،  
دندان، زبان، زنگدان و چهره. علاوه بر اعضای صورت، حرکات میچ پا و  
انگشتان پا و دست هم جزء این دسته بشمار میآید.

«نری تیا» دو قسم است: Lasya و Tandava که نوع اول توأم با  
آواز است و چون اولین بار بوسیله تاندو (Tandu) یکی از ملازمین شیوا  
اجرا شده، این نام را گرفته است و نوع دوم احساسات عاشقانه را  
بر می‌انگیزد.

«تاندوا» نیز دو قسم است: قسم اول شامل حرکات اندام است و از  
عناصر نمایشی خالی می‌باشد و قسم دوم بیشتر جنبه نمایشی دارد. درین رقص  
آواز مخصوصی هم خوانده میشود که کلمات آن از قبیل Dim - Na - Ta

و غیره معنی مشخصی ندارد .

«نریتا» سه قسم است : قسم اول با حرکات آکروباسی شبیه بندبازی توأم است . قسم دوم از حرکات و اداهائی تشکیل میشود که در بیند ایجاد ترس و وحشت میکند و قسم سوم دارای حرکات باوقار طبیعی است .

آنچه دل انگیز باشد و ذوق آدمی مفتون دلربائی آن **تفکر و احساس** شود، زیبایی هنری نام گرفته است . زیبایی است که

موجب تهییج احساسات آدمی میگردد . نتیجه تحریک عاطفه انسانی را بزبان رقص هندی بهاوا (Bhava) و (Rassa) گویند، اولی را می توان حال یا تفکر و دومی را احساس و شور و شوق نامید که همواره بدینال کیفیت اولی ایجاد میشود .

میگویند در رقص هندی هنریشه باید بتواند از عهده بیان هر نوع احساسی با حرکات و اداهای خود بر آید و بهمین جهت است که درین هنر برای هر حرکتی از اعضای بدن، معنی خاصی در نظر گرفته شده است . اصطلاحات گوناگون باین منظور وضع شده که رقص باید مفهوم آنها را با مطالعه و تحصیل متبادی بخوبی درک کند تا بتواند در موقع مقتضی از عهده بیان آنها بر آید . برای اجرای هر حالتی نیز موسیقی مخصوصی از قدیم در نظر گرفته اند . بنا برین هنر رقص و موسیقی بستگی کامل یکدیگر دارند . نه تنها هنریشه باید بکیفیات رقص ، آشنائی کامل داشته بلکه نوازندگان هم باید در کار خود خیره باشند تا بتوانند آهنگی بنوازند که با موضوع رقص، موزون و مناسب باشد .

**وضع و ادا** «ژست» طرح اساسی رقص را تشکیل میدهد و این

موضوع سابقه قدیم تاریخی دارد چنانکه کلمه سانسکریت مودرا (Mudra) بمعنی طرز نگاهداشتن دستها در هنگام عبادت است که باید کیفیت مخصوص داشته باشد . چنانکه قبلا گذشت در نمایش «آبهنایا» علاوه بردست، حرکات سایر اندام هم دخالت دارد . در یکی از کتابهای تاریخی بنام Natya Shastra بحث مفصلی از انواع حرکات اندامی پیش آمده است که هر یک از اعضای بدن در هر رقصی چه نوع حرکاتی



باید داشته باشد چنانکه سردارای ۱۳ حرکت و گردن ۴ حرکت و چشم ۲۴ حرکت و سردارای ۱۱ حرکت است و غیره .

موضوع قابل توجه دیگر اینست که هر يك از اعضای بدن را چگونه باید نگاهداشت تارقص باوزن ، هماهنگی پیدا کند و همین سازش بایستی در وضع سایر اعضای بدن هم موجود باشد : مثلاً حرکت دست و پا باید درعین حال باوضع سینه و پهلو و شکم و پشت متناسب باشد . هر رقصی شامل وضع و حرکت مخصوصی است و ترکیب این حرکات را کارانا (Karana) گویند که بعد ۱۰۸ رسانیده‌اند و شرح آنها در معبد Chidambaram منقوش است . بعضی از این حرکات مخصوص مردان و برخی خاص زنان است و بعضی هم برای زن و مرد مشترك می‌باشد . اجرای برخی از آنها نیز بسیار مشکل است .

این نکته را نیز باید توجه داشت که هندیان، عدد شش را بقال نیک میگیرند و فرخنده میدانند : چنانکه در موسیقی شش مقام (Raga) اصلی دارند . «وینا» و سه‌تار هندی دارای شش سیم اصلی است . برای عبادت شش چیز بکار میرود: قلب ، سر ، گیس بافته ، زره و سلاح یا طلسم ، چشم و کف دست . چنانکه گذشت نمایش «آبهینایا» نیز در دسته اول و دوم دارای شش حرکت است .

عدد ۱۰۸ هم قابل قسمت به ۶ است ۱۸ = ۱۰۸ : ۶

در میان حرکات اندام ، از همه مهتر حرکت دستهاست . باحرکت دست وانگشتان ، داستانی را کلمه بکلمه تشریح میکنند اما نه با گفتار بلکه بازبان خاصی که آنرا «ادا» مینامیم . مخصوصاً اگر رقص دارای دستهای زیبا باشد و با تمرین زیاد از عهده اجرای حالات برآید تأثیری بسزا در بیننده خواهد داشت . اکنون برای نمونه بمعانی یکی از حرکات مخصوص دست فهرست وار اشاره می‌کنیم . درین جا دست باید در حال Pataka باشد .

آغاز رقص ناتیا : ابرها - جنگل - اشیاء مهیب و نفرت‌انگیز - رودخانه - منطقه خدایان - اسبی که بادرا میشکافد - دراز کشیدن - کوشش برای رفتن - دلاوری - همراهی - مهتاب - درخشیدن خورشید - موج - داخل شدن در کوچه - سوگند خوردن - سکوت - حمایت - لمس کردن اشیاء - دعای خیر - پادشاه خیالی - دریا - کردار مطلوب - شخصی را خطاب کردن -

پیش رفتن - خنجری در دست - ماه - سال - روز بارانی - جارو کردن  
و غیره .

چنانکه ملاحظه میشود از کلمات بالا که هر یک منظره‌ای را مجسم  
میکند میتوان داستانی بزرگ ساخت . در شکل ذیل سه حرکت دست که با  
داستان فوق تناسب دارد نموده شده است . کتابهای رقص هند پر از شکلهای  
مختلف حرکات دست و انگشت است که هر یک نشانه رمزی است و معانی آن  
داستانی بس جالب و شگرف دارد .



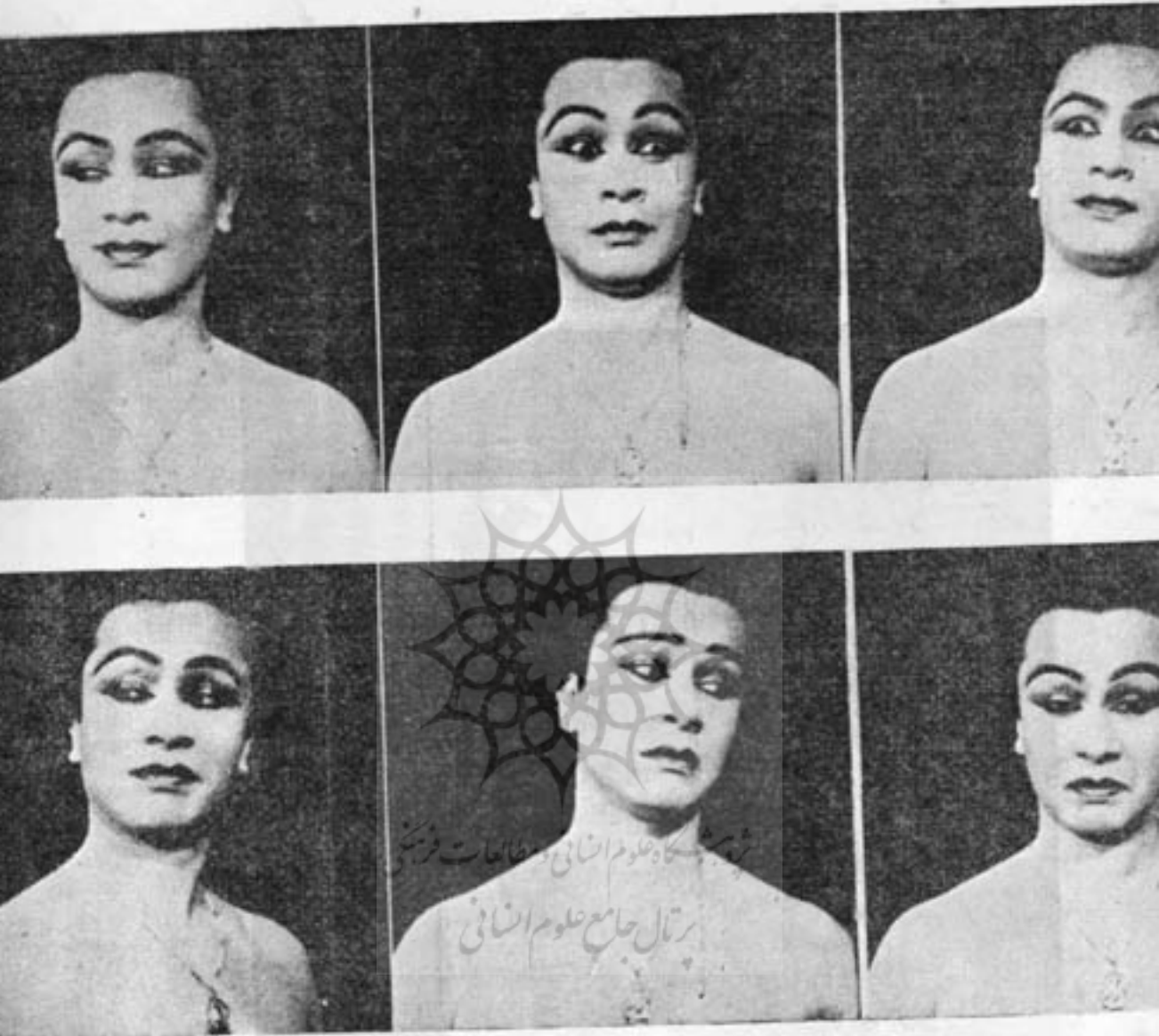
اینک برای نمونه چند حرکت چشم را در شکل ذیل می بینید . بطور  
خلاصه هر یک از حرکات نه گانه معروف حالتی است ازین قرار :

۱ - عشق ۲ - خشم و دیوانگی و شدت  
۳ - دلیری

۱ - مسخرگی و هجو و انتقاد ۲ - کبرندگی ۳ - بیزاری

۱ - شگفتی ۲ - ترس ۳ - آرامش و صفای





در نمونه های فوق، حرکات دست و چشم که هر یک برای نشان دادن حالت خاصی بکار میرود نموده شده است.

رقص کلاسیک هند دارای چهار مکتب مختلف میباشد  
 مکتبهای رقص هند ازین قرار: ۱- کاتاک ۲- کاتاکالی ۳- مانپیوری ۴-  
 بهاراتاناتیام ۱ ولی علاوه بر این چهار نوع، دو مکتب

۱- Katak - Kathakali - Manipuri - Bharata Natyam



کتابخانه و مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

خاص نیز در قرن اخیر بوجود آمده که باید نخست از آنها سخن گفت .  
هندیان بداشتن چنین هنرمندی افتخار میکنند زیرا  
وی باعث شهرت کشور خویش شده است . شنکر  
مکتب اودی شنکر  
Uday Shankar  
نقاش بود و از دیدن نقوش و مجسمه‌های خدایان  
معابد جنوب هند تحت تأثیر بسیار قرار گرفت و با  
رقصهائی که از روی آن نمونه‌ها ایجاد کرد بنقوش و مجسمه‌های قرون پیشین



درین جا اودی شنکر و همسرش را در حال رقص می بینند .

جانی تازه بخشید. در مکتب او احساسات و تناسب وزن چنان باهم آمیخته شده که بی هیچ خستگی میتوان رقصهای وی را مشاهده کرد و ازین هنر نو لذت برد زیرا در کار او يك نواختی نیست.

وقتی اودی شنکر در سال ۱۹۳۸ از مسافرت بکشورهای ییگانه که هنر خویش را بنمایش گذارده بود مراجعت نمود دکتر رایسندراتن تاگور بوی چنین نوشت: «در تمام سرزمینهایی که خبرگان، هنر شمارا دیده اند از تمجید و تحسین خودداری نکرده اند و من بخوبی میدانم که این ستایشها تاثیر عمیق در شما نموده است. اکنون که راه مقصود را یافته اید الهامات جدیدی در انتظار شماست تا بتوانید در پهن دشت بی کران هنر، نمونههایی نو از زیبایی بوجود آورید.»

هنر شنکر در باله هائی که ساخته بیش از رقصهای سولو نمودار است. چهار باله او که بنام: شیوا تندوا - شیوا پارواتی - و زن زندگانی و کار و ماشین نامیده شده شهرت بسزا دارد. اینک برای نمونه داستان باله سوم او را که «وزن زندگانی» نام گذارده است شرح میدهیم.<sup>۱</sup>

جوانی بهنگام عید و شادمانی بدنهکده خود باز میگردد و مردم رادر عیش و خوشی می بیند. از آنجا که فقر و بدبختی هموطنان خویش را درمی یابد و نمی تواند شریک شادی آنها باشد در جاده خلوتی راه می رود و روزنامه میخواند. سپس در محلی دور افتاده می نشیند و در افکار خود غوطه ور میشود. نعمات روستائیان که از دور بگوش میرسند کم کم وی را بخواب می برد و در حالت رؤیا چنین می بیند:

شیوا در حالی که از کشتن دیوی دست کشیده است ظاهر میشود و آلات موسیقی را خلق می کند و «آپسارا» بدور جوان میرقصد. جوان در عالم رؤیا، جنگجویان مقدس و دختری رامی بیند و عاشق او می شود. میخواهد ویرا در آغوش گیرد ولی صدای خنده از اطراف شنیده میشود و او درمی یابد که در وهم و خیال بوده است. سپس گروهی از کشاورزان ظاهر میشوند و جوان بدنبالشان میرود ولی آنها نیز غایب میشوند. بعد مالک زمین می آید

۱ نام این باله را Rhythm of life گذارده است که ممکن است وزن زندگانی یا حیات موزون یا نظم زندگانی نامید.





زن اودی شکر موسوم به Amala رفاص هنرمندیست که باهمسرش همکاری دارد ،  
وی باچندتنی از شاگردانش درین عکس دیده می‌شود

و بهره‌ و ام خود را میخواهد ولی جوان که قادر به پرداخت این مبلغ گزاف  
نیست بسختی بضرب شلاق تنبیه میشود . درین هنگام گروهی از گرسنگان  
میرسندودر کنار او جان میدهند . اشباح مردگان برخاسته و میکوشند او را  
از دنیای زندگان بعالم ارواح و سرزمین مردگان هدایت کنند اما کشاورزان  
میایند و جوان را سرپرست خود انتخاب میکنند و بیرق ملی را بدستش میدهند.  
جوان، آنها را پیش شخص فوق‌العاده‌ای بنام « مرد آینده » راهنمایی می‌کند و  
داستان بیچارگی قوم خویش را حکایت میکند .

چنین بنظر می‌رسد که مردم بیدار شده و دردهای خود را دریافته‌اند  
ولی عوامل متضادی بوجود می‌آید مانند خود خواهی و از خود گذشتگی،  
ترس و جرات، دروغ و راستی، آزادی و بندگی ، در نتیجه استقلال واقعی با  
پشتهم‌اندازی، رسوائی و دورویی، بدگمانی و دسته بندی فرقه‌های مذهبی  
بدست نیآید . دوباره مرد آینده ظاهر میشود و با قدرت باطنی خویش، ملت

را برای راستی و درستی و یگانگی رهبری می کند و مردم را تشویق مینماید که پراهنمایی جوان برای بدست آوردن آزادی واقعی بکوشند. جوان از خواب بیدار میشود ولی نمیداند آنچه دیده است خواب و خیال است یا حقیقت. آواز روستائیان دوباره بگوش میرسد درحالی که چنین میگویند:

«روز آزادی رسیده است، به پیش، به پیش» . جوان برمیخیزد و با امید آینده بسوی تقدیر پیش میرود.

چنانکه ملاحظه میشود شکر درین داستان رقصی، علاوه بر اینکه از افسانههای ملی و رسوم و اعتقادات مذهبی تاثیر گرفته است، روح وطن پرستی و فداکاری در راه آزادی را در دل هندیان بیدار میکند و راه آتیه را نشان میدهد که مردم هند در آن زمان که بنده خارجیان بودند چه وظایفی را باید انجام دهند تا بخواسته های خود برسند. بنابراین باله های او چنانکه یکی از آنها اشاره شد جنبه ملی دارد و درسی عبرت انگیز هم بشمار میرود.

افکار نو و شاعرانه تا گورنیز بنوبت خود تاثیر بسیار

**مکتب تاگور** در رقص هند داشته ولی طبیعت شاعر، از قیودی که بهتر بسته شده کاملاً آزاد است، و این آزادی نفوذ

کاملی در مکتب رقص وی دارد. وی هیچگاه هنر خود را پای بند قواعد جامد و خشک پیشینیان نکرده و تنها طالب لطف و شیرینی و زیبایی و والائی است. پس آنچه سروده پراهنمایی ذوق سلیم بوده نه پیروی از قوانین و قرارداد- های ادبی، و همین رویه را در رقص ابتکاری خود هم بکار برده است. منظور او در رقص، تجسم شعر و تکمیل آن و تاثیر بیشتری در شنونده و بیننده است و در حقیقت خواسته است بوسیله رقص با شعار خود روح بیشتری بدهد.

همانطور که قانون تکامل تدریجی بر دنیا حکم فرماست، در زندگی هم تغییر و تنوع امری لازم و ضروری است. تاگور بسیار شنیده و دیده و مطالعه کرده و تجربیات زیاد بدست آورده بود و چنین احساس کرد که ایجاد روشی نو در رقص کلاسیک هند اجتناب ناپذیر است بنا بر این نتیجه گرفت که در مکتب جدید نباید از قواعد خشن و ناهنجار ریاضی مانند اوزان شعر و موسیقی پیروی کرد. همچنین از توجه زیاد به آداهای متنوع و ژست های افزون از شمار دست و بدن و اصرار در روایت داستانهای مذهبی و تاریخی

نیز چشم پوشید و نظر اصلی را بر بیانی و تجسم احساسات آدمی متوجه کرد. رقص ابتکاری تاگور را باید «رقص آوازی» نامید. روش او چنین است که پسر یا دختر یا گروهی از پسران و دختران بهمراهی آواز میرقصند و در واقع کلمات شعر را با حرکات رقصی خود مجسم مینمایند. البته کلمات اشعار و داستانها هم از تصنیفات تاگور است. او درین رویه از مکتب رقص کاتا کالی نیز تاثیر گرفته است. تاگور میخواهد مضامین بلند پایه فلسفی شاعرانه را با رقص بیان کند.

درین مکتب، آوازاها بوسیله یک یا چند تن خوانده میشود و احساسات و عواطفی که از معنی اشعار درک میشود توسط اشخاص دیگر با رقص تجسم مینماید. بنابراین رقص او با استفاده از راسا (Rasa) یا تجسم احساسات است. درین جا منظور اصلی او شعر است و رقص در درجه دوم اهمیت قرار دارد. کلمات نیز بزبان بنگالی است و برای کسانی که باین زبان آشنا نباشند درک معانی اشعار با مشاهده حرکات رقص نامفهوم بنظر میرسد پس در حقیقت بهرغالی رقص توجه کامل نشده و هنریشه در حرکات خود آزادی مطلق دارد.



(دنباله دارد)

شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی